

شورای اجتماعی محلات شهر مشهد: مشارکت شهروندی بهینه‌ی محله مینا^۱

حمید مسعودی^۲، محسن نوغانی^۳

چکیده:

یکی از شیوه‌های جلب مشارکت محله‌ای، ایجاد شوراهای اجتماعی محلات شهر مشهد بوده است که به دلیل شکل ساختاری، برنامه‌ها و مصوبات از الگوی نوینی تبعیت می‌کند. هدف از انجام این پژوهش، ارائه‌ی رویکرد نوین در مشارکت شهروندی با توجه به وضعیت شورای اجتماعی محلات مشهد در سه محور مشارکت شهروندی، شهرداری و سازمانی است. روش اجرای پژوهش تحلیل ثانویه و پیمایش بوده که در آن با مطالعه‌ی اسناد، مصوبات و آیین‌نامه‌های شورا و همچنین گردآوری اطلاعات از ۱۶۶ نفر از اعضای شورای اجتماعی محلات مشهد، صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ابعاد وضعیت سازمانی شورا، وضعیت اعضای شورا، وضعیت درونی شورا، وضعیت مردمی شورا و وضعیت محلی شورا وضعیت مناسب است. بهترین وضعیت شورا در شناسایی بهتر مشکلات محله، انگیزه‌ی داوطلبانه بودن عضویت در شورا، اعتماد مردم به شهرداری، هویت اجتماعی و احساس تعلق و برنامه‌های مرتبط با وضعیت محله و بدترین وضعیت شورا نیز ضعف در جلب مشارکت‌های مردمی محله، دسترسی اعضا به مسئولان شهر، انگیزه‌ی مالی مشارکت در شورا، اقتدار و قدرت شورا در محله و حمایت مالی از شورای محله است.

کلید واژگان: شورای اجتماعی محلات، شهر مشهد، مشارکت شهروندی، مدیریت شهری

۱- این مقاله از طرح پژوهشی مورد حمایت شهرداری مشهد مقدس استخراج شده است.

massoudi@stu.um.ac.ir

۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

noghani@um.ac.ir

۳ - دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۷

تاریخ وصول: ۹۵/۳/۱۶

مقدمه و بیان مسأله

یکی از راه‌های مشارکت مردم در اداره‌ی امور، ایجاد و توسعه‌ی سازمان‌های محلی است. در رویکرد جامعه‌شناختی، شهر به مثابه‌ی یک واقعیت اجتماعی تعریف می‌شود. در اینجا شهر در نهایت حاصلی است از مجموعه روابط میان بازیگران اجتماعی بنابراین این باور وجود دارد که شکل‌گیری فضاها و روابط شهری از این روابط تبعیت می‌کنند. از نظر اجتماعی، شهرها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند و شهر فضای کالبدی حیات اجتماعی جوامع و جایی است که در آن روابط انسانی و اجتماعی شکل گرفته، بارور و شکوفا می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۴: ۱۲). شهر به‌عنوان یک نظام دارای عناصر گوناگونی است و به صورت مداوم بر آن‌ها اثر می‌گذارد و یا از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این نظام دارای تقسیمات کوچک‌تری با عنوان محله است. در فرایند کنونی برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی شهری، استفاده از راهبردهای مشارکتی و رویکرد برنامه‌ریزی از پایین به بالا به تدریج مورد اجماع نظر برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است.

استفاده از راهبرد مشارکتی به منظور تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی در خصوص حل مسائل شهری مبتنی بر اجتماعات محله‌ای و با هدف تأمین شرایط لازم برای رفاه شهروندان است (اوآنا، ۲۰۰۱: ۱۰۳)، به طوری که می‌توان گفت برنامه‌ریزی‌های مشارکتی، سبب ارتقای کیفی جوامع شهری و گرایش به توسعه‌ای خودجوش از درون جامعه می‌گردد. مشارکت اجتماعی مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که بر خصوصیات چگونگی سهم‌شدن در یک فعالیت جمعی، درگیری ذهنی و روانی در موقعیت‌های تیمی، دستیابی به هدف‌های گروهی، اختیاری بودن، تمرکززدایی و ... تأکید شده است.

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر برای اصلاحات سازمانی و خلق نهادهای سیاسی برای رویارویی با این چالش‌ها، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و استقرار اشکال سازمانی

با عنوان حکومت شهری با مشکل روبرو بوده است (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۷). در برخی از کشورها که رشد اجتماعی مردم چندان مورد توجه نیست و یا طرز فکر زمامداران آنان به گونه‌ای است که تفویض امور محلی را به مردم مقتضی نمی‌دانند، سازمان‌های ایجاد شده یا دارای اختیارات لازم برای اداره‌ی امور محل از طریق شرکت و دخالت مردم نیستند و یا اگر طبق قانون، چنین اختیاراتی هم به آنان داده شده است چون نمی‌توانند عملاً از اختیارات خود استفاده کنند، فاقد اصالت و واقعیت هستند. (نوروزیفر، ۱۳۸۰).

پس مشارکت در این گونه برنامه‌ریزی‌های از پایین به بالا که با تشکیل انجمن‌ها، شوراهای و تشکل‌های مردمی در محلات محقق می‌شود، به تقویت جامعه‌ی مدنی منجر می‌گردد و افراد حاضر در این گونه تشکل‌ها سعی در تجدید حیات اجتماعی و حفاظت از حوزه‌ی عمومی محله دارند (گیدنز، ۱۳۸۹). در ایران نیز این نقش به شوراهای اسلامی شهرها، مجلس شورای اسلامی، انجمن‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و به طور استثناء در شهر مشهد به شورای اجتماعی محلات واگذار شده است. شهرداری مشهد با توجه به شناسایی پتانسیل‌های موجود در محلات و رفع مشکلات موجود، به تأسیس شورای اجتماعی محلات اقدام نموده است که از آغاز آن حدود ۶ سال می‌گذرد^۱. از مهم‌ترین اهداف شورای اجتماعی محلات نیز افزایش مشارکت‌های اجتماعی، تقویت هویت محلات، افزایش اعتماد اجتماعی، شناسایی و بهره‌گیری هدفمند از فرصت‌های اجتماعی محلات، نهادینه‌سازی نظارت همگانی و ... است. از سوی دیگر اعضای منتخب در چارچوب قوانین مدون و در زمان معین به صورت داوطلبانه و آگاهانه انتخاب می‌شوند (دبیرخانه شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، ۱۳۹۳).

این شوراهای تفاوت چشم‌گیری با سایر شوراهای در ایران دارند و رویکردی جدید در این زمینه هستند. به طوری که بر اساس ادعای مدیران شهری، مشارکت در قالب شوراییاری

۱- آغاز به کار رسمی شورای اجتماعی محلات ۱۳۸۹ بوده و در آن سال به صورت پایلوت محلی حدود ۳۵ نفر به عضویت شورا در آمده‌اند؛ اما در سال‌های بعد بر این تعداد افزوده شد.

محلات که زیر نظر شورای اسلامی شهر بوده است، نتوانست موفق باشد. چرا که مهمترین مشکلات آن عدم حمایت سازمانی از آنها، عدم انسجام درونی بین اعضای شورایی، نبود هدف مشخص برای فعالیت در محلات، ضعف حمایت سازمان‌های دیگر از مصوبات آنها می‌باشد (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۵)، بنابراین شهرداری مشهد تلاش نمود برای رفع این مشکلات، نهادی متفاوت از این شوراها راه‌اندازی و حمایت نماید. در این نهاد تازه شکل گرفته سه نوع عضو نقش‌آفرینی می‌کنند. یک گروه از افراد از بین مردم محلی در قالب‌های مختلف انتخاب می‌شوند و گروهی دیگر از کارمندان شهرداری منطقه و ناحیه بوده و در نهایت گروهی نیز از کارمندان سازمان‌های مرتبط با حوزه‌ی شهر هستند. در حال حاضر شورای اجتماعی محلات شهر مشهد تعداد ۱۵۰۰ عضو فعال دارد و این افراد در ۱۵۷ محله شهری مشغول به فعالیت هستند. هدف از انجام این پژوهش نیز این است که ضمن معرفی این نهاد مردمی، به بررسی ظرفیت‌ها، و توانمندی‌های آنها بپردازد.

اهداف

با توجه به اهمیت موضوع و همچنین مرور نظری و تجربی، اهداف پژوهش به شرح زیر است:

- ✓ سنجش وضعیت شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر حمایت سازمان‌های شهری (شهرداری، ارگان‌ها)
- ✓ سنجش وضعیت شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر مشارکت و فعالیت اعضای آن
- ✓ سنجش وضعیت شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر وضعیت درونی (جلسات، مصوبات، نظم) آن
- ✓ سنجش وضعیت شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر همراهی و مشارکت مردم در برنامه‌ها و مصوبات
- ✓ سنجش وضعیت شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر شاخص‌های محلی

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی شوراهای اجتماعی محلات پژوهشی صورت نگرفته است ولی از آنجا که

عملکرد این شورا تا حدودی مشابه شوراهای شهرهای دیگر است، در این مورد به تعدادی از پژوهش‌ها اشاره می‌گردد. موحد و همکاران (۱۳۹۳)، در راستای حکمروایی خوب شهری در زمینه‌ی مشارکت‌های اجتماعی به شاخص‌هایی همچون مشارکت در تصمیم‌گیری، تقویت و عضویت نهادهای مدنی، باور به جمع و کار جمعی و توافق جمعی درباره‌ی مشکلات مهم محله اشاره می‌کنند. شهرانی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی ضعف اصلی حوزه‌ی داوطلبان جمعیت هلال‌احمر در جذب و نگهداری اعضا در مواردی همچون ناکافی بودن اطلاع‌رسانی و تبلیغات، نبود برنامه و سازمان‌دهی مناسب برای بهره‌گیری از توانایی داوطلبان، اجرای برنامه‌های یک‌طرفه به سود جمعیت، ضعف آشنایی با دستورالعمل‌ها و وظایف داوطلبان، حق عضویت گران، تقسیم‌بندی غیرکارشناسی داوطلبان و عدم برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای داوطلبان است.

پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی و تبیین نقش شورای اسلامی شهر در توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران با تأکید بر نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد، با وجود تأکید سرمایه‌ی اجتماعی به همکاری، مشارکت و اعتماد میان نهادهای مردمی و مردم محلی که سبب پویایی بیشتر جامعه می‌شود و مردم خود امور محلی را انجام می‌دهند، وجود قوانین مبهم و نظام اداری متمرکز به عدم کارایی مناسب شوراهای اسلامی منجر می‌شود و حوزه‌ی عمل و اختیارات آن‌ها را محدود می‌کند. مشکینی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی که به بررسی نقش مشارکت شهروندان در تحقق‌پذیری اهداف شهرهای جدید در ایران می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که مشارکت شهروندان در جمعیت‌پذیری شهر کمتر احساس شده ولی مهم‌ترین شاخص میزان شکل‌گیری نهادهای مردمی همچون هیأت‌های مذهبی، شورایی، صندوق قرض‌الحسنه و غیره است.

رسولی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسند که مردم از عملکرد شورای شهرهای استان آذربایجان شرقی در نظارت بر حسن اجرای مصوبات

شورا، مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، فرهنگی، ارشادی، تأسیس تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف، وضع مقررات و نظارت بر حفاری و مسیرهای تأسیسات شهری، ایجاد و توسعه‌ی معابر، خیابان‌ها و میدان‌ها و فضاهای سبز و تأسیسات عمومی شهر و وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدان‌ها میوه و تره‌بار رضایت کمی دارند. معمارزاده (۱۳۸۸) به انجام پژوهشی برای ارائه‌ی الگویی اثربخش از عملکرد شوراهای اسلامی شهر تبریز پرداخته و چهار نوع فعالیت درون‌سازمانی، میان‌سازمانی، برون‌سازمانی و فعالیت‌های فردی را برای آن در نظر گرفته است.

آذربایجانی (۱۳۸۶) در بررسی تأثیر عملکرد شوراهای شهر بر اثربخشی شهرداری‌ها، بیان می‌کند که از دید کارکنان، بین اثربخشی شهرداری قبل و بعد از تشکیل شورا تفاوتی وجود ندارد؛ این در حالی است که شهرداران انتخابی شورا ضعیف‌تر بوده‌اند. از دید شهروندان بین اثربخشی شهرداری قبل و بعد از تشکیل شورا تفاوت وجود دارد این در حالی است که در زمینه‌ی انتخاب شهردار تفاوت وجود ندارد. ازکیا و ایمانی (۱۳۸۴)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر با استفاده از رهیافت کیفی (نظریه‌ی بنیانی) با هدف شناخت عوامل مؤثر بر عملکرد آن‌ها و ارزیابی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، انجام داده‌اند. به بیان آن‌ها شرایط علی (فقدان سنت‌های دموکراتیک)، «نظام اداری متمرکز» و «قوانین مبهم» منجر به پدیده‌ی «فقدان نهادینگی» در شوراها می‌شوند و حوزه‌ی عمل و اختیارات آن‌ها را محدود می‌کنند. در این وضعیت اعضای شورای شهر با اتخاذ راهبردهای «نهاد خواهی» و «حمایت خواهی» از دولت، با پدیده‌ی فقدان نهادینگی مقابله می‌کنند.

رفرما گوسمان^۱ (۱۹۹۳) طی یک تحقیق، جریان تمرکززدایی را که در پاکستان صورت گرفت، مهم‌ترین جریان برای برقراری حکومت‌های محلی در پاکستان عنوان کرد. در این جریان که از سال ۱۹۷۹ شروع شد بر ترقی و پیشرفت حکومت‌های محلی به عنوان یک

1- Gussman Referma

ابزار توسعه‌ی اقتصادی تأکید زیادی شد. آن‌ها خودمختاری و استقلال شوراها را در تصویب بودجه‌های محلی و پیشنهادهای مالیاتی و وضع قوانین محلی خود را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر موفقیت شوراهای محلی دانسته‌اند.

وگل سانگ کومبز^۱ (۲۰۱۲) در بررسی خود با رویکرد شورای شهر مدنی به این نتیجه می‌رسد که شوراهای امروزی باید ضمن داشتن همبستگی بین اعضا و چارچوب شهری خود به سمت مهارت‌های رهبری، مدیریت گروه و فعالیت گروهی حرکت کرده و در نهایت اینکه، ضمن توجه به تاریخ شهرها، وضعیت اخلاق اجتماعی در شهر به موضوع مشارکت شهروندان به روش‌های نوین در مدیریت شهری توجه ویژه نمایند. این مهم سبب پابرجایی شورای شهر و در نتیجه گذران امورات شهری خواهد شد.

جانسون^۲ (۲۰۰۷) نیز در پژوهشی در زمینه‌ی مشارکت اعضای شورای شهر در فعالیت گروهی، به بررسی فعالیت جمعی در کمیته‌های شورای شهر و همیاری دولت به شهرها به این نتیجه می‌رسد که فعالیت در شورای شهر بین فعالیت بر اساس سیاست محلی و همچنین قوانین سازمانی و ملی محدود شده است. مالونی و همکاران^۳ (۲۰۰۰)، در پژوهشی به بررسی جایگاه مدیریت شهری در سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به رویکرد بالا به پایین می‌پردازند. به نظر آن‌ها، سرمایه‌ی اجتماعی در پژوهش‌های سیاسی جایگاه خاصی یافته و آن‌ها نیز از مکتب پوتنام در پژوهش خود استفاده می‌کنند. به بیان آن‌ها این مکتب فاقد دو رویکرد اصلی است: اول اینکه به نقش اقتدار عمومی در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی توجهی نکرده است و دوم ساختار قدرت نمی‌تواند به سادگی از کنار فعالیت‌های نهادی همچون شوراها و انجمن‌ها عبور کند.

لاونز و ویلسون^۴ (۲۰۰۱)، نیز در پژوهش خود به بررسی جایگاه سرمایه‌ی اجتماعی در مدیریت شهری می‌پردازند. به نظر آن‌ها، جهت بررسی جایگاه سرمایه‌ی اجتماعی باید به دنبال کشف و طراحی متغیرهای نهادی رسید. آن‌ها بیان می‌کنند که سرمایه‌ی اجتماعی

1- Vogel sang Coombs, V.

2- Bertram Johnson

3- Maloney, W. Smith, G. & Stoker, G.

4- Lowndes, V. & Wilson, D.

در دولت‌های دموکراتیک امری لازم است بنابراین باید در همین زمینه به ظهور انجمن‌ها و شوراهای و گروه‌های مردمی بیشتر توجه نمود.

لذا مشارکت در شوراهای محلی به تقویت حکم‌روایی خوب شهری کمک کرده و از سوی دیگر سرمایه‌ی اجتماعی شهری را افزایش می‌دهند. در صورت تعامل چندگانه‌ی شورا و مدیریت شهری عملکرد آن بهبود می‌یابد. همچنین شوراهای سبب تمرکززدایی و در نتیجه ترقی مشارکت می‌شوند بنابراین ضرورت شوراهای محلی را می‌توان برای شهر تبیین کرده و آن را ضروری دانست. علت اصلی کاهش مشارکت در نهادهای اجتماعی مشارکتی در نبود برنامه و اطلاع‌رسانی، یکسوزنگری مدیریت از بالا است و اگر مشارکتی هم وجود دارد، مشارکت دقیق اجتماعی در ایران به هیأت‌های مذهبی، شوراییاری، صندوق قرض‌الحسنه و نه به مسائل مدیریت شهری باز می‌گردد. اگرچه این نوع مشارکت‌ها در جامعه‌ی اسلامی ضروری است ولی نیاز جدی به نهادهایی که بتوانند به مدیریت شهری کمک نمایند، احساس می‌شود.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

تبیین اجتماعی مشارکت و شوراهای اجتماعی محلات

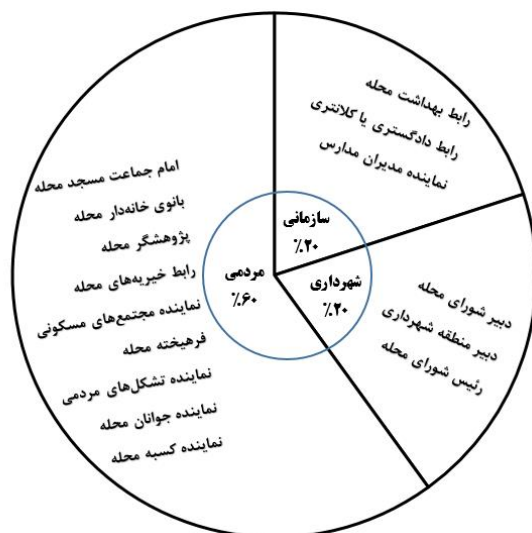
مشارکت فرایندی است که از طریق آن مردم بر روی تصمیمات و منابعی که آن‌ها را متأثر می‌سازد، اثر گذاشته و در آن‌ها سهیم می‌شوند (ریتبرگن و مک کراکن، ۱۹۹۸: ۴). بر این مبنا مشارکت مشمول درگیری تمام‌عیار مردم در کلیه‌ی مراحل برنامه‌ریزی و طراحی به منظور بهبود وضعیت و بهره‌گیری از توان نهفته آنان در قالب یک سازمان جمعی است. در واقع مشارکت، مردم را با امکانات و محدودیت‌های پیرامون خود آشنا می‌کند. مردم با مشارکت یاد می‌گیرند که نه به صورت افراد مجزا، بلکه در قالب گروه‌های اجتماعی کار عضویت در شبکه‌های اجتماعی کنند و قدرت بالقوه‌ی خود را در سطوح گوناگون به منصفی ظهور برسانند (صیدائی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین مشارکت استفاده‌ی مناسب از مشاوره‌ی مردم است که به میزان قابل توجهی موجب

واقع‌گرایی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی طرح‌ها و اتکا طرح بر داده‌های موثق و دقیق می‌شود و تضمین‌کننده‌ی موفقیت طرح‌های شهری می‌گردد (معزی مقدم، ۱۳۸۵: ۹۹)؛ اما مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق می‌یابد؛ به عبارت دیگر بین وارد شدن در مشارکت تشریفاتی و ساختگی و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرایند برنامه‌ریزی‌هاست، تفاوت وجود دارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵). این نکته‌ی بسیار مهم، باید در تمامی برنامه‌های مدیریت شهری و حکمرانی شهری، مورد توجه متخصصان برنامه‌ریزی و مدیریت و سیاست‌گذاران قرار گیرد (آرنستریز، ۱۹۶۹: ۲۱).

پل در سال ۱۹۸۸ چهار سطح را برای مشارکت در اجتماعات محلی شناسایی کرد: سطح اول: تسهیم اطلاعات (پایین‌ترین سطح)، سطح دوم: مشاوره، سطح سوم: تصمیم‌گیری، سطح چهارم: اقدام به عمل (بالا‌ترین سطح)، (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۴)؛ به عبارت دیگر هرچه مشارکت شهروندان به سطح اقدام نزدیک‌تر باشد، مشارکت بیشتر به منصفی ظهور رسیده است. بنابراین شورای اجتماعی محلات که هم در تصمیم‌گیری برنامه‌های شهر مشهد و همچنین در سطح اقدام به عمل مشارکتی وارد می‌شود، می‌تواند نمونه‌ی بارز مشارکت در محلات باشد. شورای اجتماعی محلات پس از انتخاب در جریان برنامه‌های شهرداری قرار گرفته، برنامه‌های جدید را با نظر شهرداری تصویب نموده و به نوعی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرده و در نهایت یکی از اعضا مسئول اقدام معرفی می‌گردد (مسعودی، ۱۳۹۱).

در مبحث مدیریت شهری، می‌توان به نقش مستقیم شوراهای شهری، شهرداری‌ها، نمایندگان استانی منتخب در مجلس شورای اسلامی و نقش غیرمستقیم نهاد شوراهای حل اختلاف شهری، در کشاندن شهروندان به سوی کنش‌های مشارکتی اشاره نمود (زاهدی یگانه و قربانی، ۱۳۸۹: ۶)؛ بنابراین منظور ما از مشارکت شهروندان، قدرت تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است. در واقع مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تایید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه

فرآیندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند (برک پور، ۱۳۸۵: ۶۹۲).



شکل ۱: مدل شورای اجتماعی محلات مشهد (منبع، دبیرخانه شورا)

شکل شماره‌ی (۲) مشخص می‌سازد که مشارکت با توجه به رویکرد شورای اجتماعی محلات سه‌بخشی است. شهرداری، مردم و سازمان‌های دخیل در محله ابعاد اصلی آن را شکل می‌دهند و این موضوع نشان از رویکرد نوین مشارکت اجتماعی مردم در محلات است. مردم در این مدل نقش پررنگی دارند، اما همراهی شهرداری و سازمان‌های دیگر نیز قابل تشخیص است.

جامعه‌شناسی فعالیت‌های گروهی در شورای اجتماعی محلات

گروه‌ها به‌مثابه‌ی یک سامانه‌ی اجتماعی، هم برای نهادها و سازمان‌های دربرگیرنده‌ی آن‌ها و هم برای اعضای خود کارکردهایی بی‌بديل دارند. گروه‌ها سبب می‌شوند تا سازمان‌ها کارهای بزرگی را که از عهده‌ی یک فرد برنمی‌آید، انجام دهند و با ایجاد هم‌افزایی عملکرد سازمان را ارتقا بخشند (شمره‌ورن و همکاران، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، بهره‌گیری از گروه‌ها باعث افزایش خلاقیت در بین اعضای آن‌ها می‌گردد و به اتخاذ تصمیماتی بهتر در گروه منجر می‌شود (میکلاوسی و سومانسکی، ۲۰۰۷). همچنین

گروه سبب می‌شود افراد دانش و تجارب خود را بهتر تسهیم و به یکدیگر منتقل نمایند و از این طریق نیازهایی چون حسن تعلق و سایر نیازهای اجتماعی نیز تأمین گردد. با توجه به این کارکردهاست که کاربرد و اهمیت گروه‌ها، محققان را به بحث و بررسی پیرامون بهره‌وری گروه و گروه کاری معطوف نموده است (تان و تان، ۲۰۰۸).

شورای اجتماعی محلات شهر مشهد نیز در این راستا که در قالب یک گروه شکل گرفته است، اعضای آن در قالب فعالیت‌های تیمی به دنبال به حداکثر رساندن بهره‌وری و نیل به اهداف اساسی این شورا هستند. سبک رهبری تیمی، مشارکت اعضا در جلسات و بحث و تبادل نظر، خدمات و امکانات گروهی، ظرفیت‌های تیمی، انگیزه و نیت مشارکت در این گروه، از جمله مسائل قابل توجه در این پژوهش نیز بوده است.

کنش‌های داوطلبانه در شورای اجتماعی محلات

با توجه به اساس‌نامه‌ی شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، عضویت در این شورا داوطلبانه بوده و انگیزه‌های مختلفی در پس آن نهفته است. نهضت داوطلبی و خدمت‌رسانی به جامعه، از پدیده‌های دنیای معاصر است که ریشه در سنت‌های اجتماعی مردم سراسر جهان دارد (سفریت و همکاران^۱، ۲۰۰۴: ۳۷). فعالیت‌های داوطلبانه فوایدی دوسویه دارد که هم جامعه و هم داوطلب از آن بهره‌مند می‌شوند. داوطلبان برای دستیابی به اهداف مشترک در کنار یکدیگر به فعالیت می‌پردازند و به نحوی موجب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه می‌شوند، بنابراین جامعه را به محیطی بهتر برای زندگی همگان تبدیل می‌کنند (کلیو و دورتی^۲، ۲۰۰۵). افراد داوطلب در قالب یکی از سه گروه تشکیل‌دهنده‌ی منابع انسانی (کارمندان رسمی، داوطلبان و مشتریان یا ارباب‌رجوع)، جایگاه ویژه‌ای در ساختار سازمان‌های غیرانتفاعی و دولتی به خود اختصاص داده‌اند (چلادوران^۳، ۲۰۰۵). پرینو (۱۹۹۸) معتقد است که داوطلبان، فعالیت‌های محوله را به‌خوبی انجام می‌دهند و به سازمان‌ها در انجام مأموریت‌هایشان کمک می‌کنند، بنابراین

- 1- Safrit, R.D. Gliem, R.R. and Gliem, J.J.
- 2- Cleave, S. and Doherty, A.
- 3- Chelladuran, P.

سرمایه‌ی بالقوه و گران‌بهای محسوب می‌شوند (پرینو، ۱۹۹۸: ۸۶۲).

عوامل اجتماعی عضویت شورای اجتماعی محلات

خدایی و اکبری تأکید می‌کنند که علل عضویت افراد در این نوع گروه‌ها در دسته‌هایی کلی همچون سیستم‌های ارزشی (آلموند و وربا، ۱۹۶۳ و اینگلهارت، ۱۹۹۹)، چارچوب‌های فرهنگی نهادینه شده (اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱) و پیوستگی اجتماعی (تئوری‌های مشارکت، بوردیو)، دموکراتیزه شدن (پاکستون، ۲۰۰۲، وربا و همکاران، ۱۹۹۵)، مدرنیزاسیون (اسمیت و شن، ۲۰۰۲ و اینگلهارت، ۱۹۹۷) قرار گرفته و سایر موارد همچون اعتماد (نیوتن، ۲۰۰۱)، مذهب (اسمیت و شن، ۲۰۰۲)، جنسیت، نژاد و قومیت (پوتنام، ۱۹۹۹)، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و ابعاد آن (ملیسا، ۲۰۰۴) را نیز می‌توان نام برد (خدایی و اکبری، ۱۳۸۷)؛ اما می‌توانیم این گونه استنباط کنیم که هرگاه نوع انجمن خاص شود، شاخص‌های مؤثر نیز می‌تواند از زوایایی خاصی علت مشارکت افراد باشد. در شورای اجتماعی محلات نیز مسعودی (۱۳۹۱) در بررسی علل عضویت افراد در این شورا به مواردی همچون انجام رفتار خیرخواهانه، خدمت به شهروندان، رضای خدا، حل مشکلات مردم محله، افزایش نظارت علاقه شخصی، ارتباط با جامعه و شهروندان و در نهایت اعمال نظر در برنامه‌های شهرداری می‌رسد (مسعودی، ۱۳۹۱).

سرمایه‌ی اجتماعی و شورای اجتماعی محلات

پژوهش‌های انجام‌شده در مورد همکاری و مشارکت مردم در قالب نهادهای مردمی توسط اندیشمندان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است به‌طوری‌که کلمن (۱۹۸۸)، در زمینه‌ی مشارکت در امور مدرسه، بوردیو (۱۹۸۵) نیز در همین زمینه، پاتنام (۱۹۹۳)، در زمینه‌ی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا و فوکویاما (۱۹۹۹) درباره‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها و در ایران نیز صبوری کاشانی (۱۳۵۴)، محسنی تبریزی (۱۳۷۳) و قالیباف (۱۳۸۰) در مورد دولت‌های محلی به این نتیجه می‌رسند که دولت به سمت تمرکززدایی قدرت رفته و در حال حاضر سهم مردم در امور محلی اندک است.

در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی، تأثیر شاخص‌های داوطلبی، رفتارهای داوطلبانه، انجمن‌های داوطلبانه، روحیه‌ی داوطلبی و داوطلب‌گرایی مدنی بر سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و ارزشی آن مورد توجه بوده است (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، در بسیاری از پژوهش‌ها این نتیجه عاید شده است که عضویت در گروه‌های اجتماعی به نوعی افزایش، گسترش و تعمیق سرمایه‌ی اجتماعی افراد است. به طوری که، روحیه‌ی دین‌داری و مذهبی بودن (خدایی و اکبری، ۱۳۸۷)، تقویت کارایی کارکرد زندگی اجتماعی و سیاسی (فرتیگ، ۲۰۰۳)، تقویت شبکه‌های مترام اجتماعی و ترویج فرهنگ انجمنی (والترز، ۲۰۰۲)، قوت زندگی انجمنی (پاکستون، ۲۰۰۲)، مشارکت داوطلبانه در سازمان‌ها و انجمن‌ها (هوگه، ۲۰۰۳)، ارتقای اعتماد اجتماعی با خلق شبکه‌های اجتماعی (۲۰۰۲)، روحیه‌ی دین‌داری و مذهبی بودن (خدایی و اکبری، ۱۳۸۷)، افزایش سرمایه‌ی اجتماعی از جمله محورهای مورد بحث در این زمینه است.

به طور تفصیلی، پانام بر سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی یعنی شرکت در انتخابات، تعداد خوانندگان روزنامه‌ها، عضویت در گروه‌های مذهبی، ادبی، باشگاه‌های فوتبال و غیره تأکید می‌کند و آن را کلید حل مشکلات جمعی می‌داند و به نظر وی شهروندان جامعه‌ی مدنی موفق، اطمینان دارند که دیگران نیز عادلانه عمل می‌کنند و از قوانین پیروی می‌کنند (پانام، ۱۳۸۵).

جامعه‌شناسی مشارکت و شورای اجتماعی محلات

از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر مشارکت کردن) تمییز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵). از دیدگاه کارکردگرایی می‌توان اینگونه تعبیر نمود که عضویت در یک سازمان مردمی و مشارکت در آن، نوعی کارکرد آشکار و پنهان برای فرد به دنبال دارد.

این نهاد اجتماعی نیز در نوع خود کارکردهای آشکار و پنهانی را برای مدیریت شهری پیش می‌کشد. در این صورت است که تعادل در کارکردهای شهری برقرار می‌شود. در شهری که نهاد اجتماعی به واسطه مشارکت مردمی نتواند ایفای نقش نماید، تعادل و یکپارچگی سیستم مدیریت شهری به هم ریخته است و در نتیجه جامعه به اهداف خود نمی‌رسد. در اینجا است که ممکن است افراد برای رسیدن به اهداف خود و مدیریت شهری برای دستیابی به برنامه‌های خود، به اقدامات غیر مرتبط و برهم‌زننده‌ی تعادل دست بزنند. در نتیجه از نظر این تئوری مشارکت در شورای اجتماعی محلات خود نوعی کارکرد برای اعضا و مدیریت شهری به حساب می‌آید.

اما از نظر تئوری مبادله اگرچه مشارکت یک مسأله‌ی فردی است ولی فرد از مشارکت خود در نهادهای اجتماعی به دنبال منفعت‌طلبی است. این منفعت‌طلبی در شورای اجتماعی محلات منفعت مالی نیست بلکه مشارکت در شورای اجتماعی محلات بر انگیزه‌های خیرخواهی و خدمت‌رسانی استوار است. در این صورت فرد انگیزه‌ی بیشتری برای مشارکت پیدا کرده و از سوی دیگر در صورتی که شورا عملکرد مناسب داشته باشد، فرد به ماندگاری بیشتری در شورا نیز تمایل دارد. همچنین از نظر این تئوری می‌توان گفت که فرد در مشارکت در شورای محلات به دنبال تأیید اجتماعی در جامعه و بین افراد آشنا نیز هست. شورای اجتماعی محلات مفردی برای رساندن صدای فرد به مدیران شهری است و در نتیجه اثرگذاری بیشتر می‌شود اما در این نظریه اراده‌گرایی فرد اگرچه مورد تأکید نیست ولی فرد در هر صورت در این شوراها با انگیزه‌ی داوطلبانه و با اراده‌ی خود اقدام به مشارکت می‌کند.

همچنین مکتب تضاد مشارکت در مدیریت شهری را در قالب روابط طبقاتی، مبادله‌ی نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی‌طبقه جست‌وجو می‌کند. اگر بر اساس این رویکرد به مشارکت در شورای اجتماعی بنگریم یافته‌ی خاصی به دست نخواهد آمد

زیرا مشارکت به دنبال کاهش تضادها و همچنین برقرار عدالت در شهر است. اگرچه مشارکت در صورتی که از بالا باشد رویکرد تضاد در تبیین آن به دنبال تبیین نظام سلطه در مدیریت شهری خواهد بود ولی از آنجا که در شورای اجتماعی محلات مشارکت از پایین است بنابراین به سادگی نمی‌توان این تبیین را ارائه نمود.

سؤال‌ها و فرضیه‌ها

با توجه به ابعاد بررسی شده در پژوهش، فرضیات زیر در نظر گرفته و با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای^۱ به بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

- ✓ شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر حمایت سازمان‌های شهری (شهرداری، ارگان‌ها) وضعیت مناسبی دارد.
- ✓ شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر مشارکت و فعالیت اعضای آن وضعیت مناسبی دارد.
- ✓ شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر وضعیت درونی (جلسات، مصوبات، نظم) آن وضعیت مناسبی دارد.
- ✓ شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر همراهی و مشارکت مردم در برنامه‌ها و مصوبات وضعیت مناسبی دارد.
- ✓ شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر شاخص‌های محلی وضعیت مناسبی دارد.

به دلیل جلوگیری از تکرار از ذکر سؤالات خودداری می‌شود.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر در دو بخش تحلیل ثانویه اطلاعات موجود و همچنین پیمایش از نظرات اعضای شورای اجتماعی محلات انجام شده است. در بخش تحلیل ثانویه با استفاده از اطلاعات موجود در دبیرخانه شورای اجتماعی محلات شهر مشهد^۲، به توصیف شاخص‌هایی همچون تعداد جلسات شورای محله، تعداد اعضای فعال محله، میانگین تعداد مصوبات اجراشده، رتبه‌ی بودجه‌ی تخصیصی شورا، جمعیت محلات دارای شورا، تعداد محله در هر منطقه، تعداد شورای هر منطقه، فراوانی مشکلات مردم محله، خوشه‌ی منزلت اجتماعی محله پرداخته شده است.

۱- با در نظر گرفتن استاندارد سازی شاخص‌ها در بازه ۰-۱۰۰ و معیار ۵۰ برای مقایسه‌ی میانگین.

۲- با تشکر از آقای ابراهیمی، رئیس دبیرخانه‌ی شورای اجتماعی محلات که اطلاعات مربوط را در اختیار قرار دادند.

در بخش پیمایش به توصیف و آزمون فرضیات پژوهش با استفاده از پرسشنامه بسته پاسخ پرداخته شده و شاخص‌هایی همچون حمایت سازمان‌های شهری، مشارکت و فعالیت اعضا، وضعیت درونی شورا، همراهی و مشارکت مردم در برنامه‌ها و مصوبات و شاخص‌های محلی در نظر گرفته شده است. محاسبه‌ی حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار NCSS PASS و در نظر گرفتن نوع فرضیات و تجزیه و تحلیل‌ها در جامعه‌ی آماری ۱۵۰۰ نفری پرداخته شده است. شایان ذکر است که این نرم‌افزار به پارامترهای آماری نیز حساس است و طبق قراردادهای آماری از آن بهره جست‌ایم؛ به عبارت دیگر در این نرم‌افزار مقدار خطا ۰.۰۵، مقدار تی ۱.۹۶ در نظر گرفته شد و تعداد ۱۶۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب و برای دسترسی به لیست مشخصات آن‌ها به صورت تصادفی ساده از بین آن‌ها انتخاب گردیدند.

مهم‌ترین روش برای سنجش اعتبار ابزار، اعتبار سازه است که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی^۱ به روش واریماکس^۲ صورت گرفت. اعتبار سازه بر این مطلب تأکید می‌کند که آزمون تا چه اندازه سازه‌ی نظری یا صفت موردنظر را اندازه می‌گیرد. این سنجش مستلزم سه اقدام اساسی است: در ابتدا سازنده‌ی آزمون باید صفت مورد نظر را به دقت تحلیل کند. در مرحله‌ی بعد، چگونگی ارتباط صفت با متغیرهای دیگر را مورد توجه قرار دهد و بعد از طریق آزمایش معلوم کند که آیا این روابط فرضی واقعاً وجود دارند (شریفی، ۱۳۸۰: ص ۲۴۵). پایایی ابزار نیز با استفاده از آماره‌ی آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است، اگرچه کل مقیاس محقق‌ساخته میزان آلفای ۰.۸۴ را به دست آورد. در تعریف مفاهیم اصلی پژوهش می‌توان به تعریف وضعیت‌های مختلف شورای اجتماعی محلات اشاره کرد.

وضعیت سازمانی شورای اجتماعی محلات: منظور از این متغیر ابعادی همچون نظارت همگانی شورای محله، همکاری شهرداری با شورای محله، حمایت مالی از شورای محله، حمایت ارگان‌های شهری از شورا و دسترسی اعضا به مسئولین شهر می‌باشد.

1- Confirmatory Factor Analysis(CFA)

2- varimax rotation

وضعیت اعضای شورای اجتماعی محلات: منظور از این متغیر ابعادی همچون رضایت‌مندی فردی از شورای محله، مشارکت اعضا در جلسات شورای محله، آشنایی اعضا با اهداف و آیین‌نامه، انگیزه مالی مشارکت در شورا، انگیزه داوطلبانه بودن عضویت در شورا، علاقه‌مندی اعضا به اظهارنظر و توانمندی ایفای نقش توسط اعضا می‌باشد.

وضعیت درونی شورای اجتماعی محلات: منظور از این متغیر ابعادی همچون اقتدار و قدرت شورا در محله، تعداد جلسات و مصوبات شورا، اطلاع‌رسانی و تبلیغات شورا، بوروکراسی اداری در مصوبات، برگزاری جلسات پربار و مفید و برقراری نظم در جلسات و برنامه‌ها می‌باشد.

وضعیت مردمی شورای اجتماعی محلات: منظور از این متغیر ابعادی همچون هویت محلی و احساس تعلق، اعتماد مردم به شهرداری، جلب مشارکت‌های مردمی محله و همسویی با نظرات و دغدغه‌های مردم می‌باشد.

وضعیت محلی شورای اجتماعی محلات: منظور از این متغیر ابعادی همچون اهمیت شورای محله در شهر، مشکل‌گشا بودن شورای محله، شناسایی بهتر مشکلات محله، برنامه‌های مرتبط با وضعیت محله و ظرفیت‌یابی محله جهت برنامه‌ریزی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در بخش پیمایش یافته‌ها حاکی از آن است که از بین کلیه‌ی پاسخگویان، ۷۲ درصد مرد و ۲۲ درصد نیز زن بوده‌اند. همچنین در رابطه با اعضای مردمی ۷۰ درصد مرد و ۲۴ درصد زن و در رابطه با اعضای شهرداری نیز ۸۶ درصد مرد و ۱۴ درصد نیز زن بوده‌اند. شغل پاسخگویان، ۲۵ درصد کارمند، ۳۲ درصد فرهنگی، ۴ درصد دانشجو و محصل، ۱۱ درصد روحانی، ۱۹ درصد آزاد، ۴ درصد بازنشسته و ۵ درصد نیز خانه‌دار است. تحصیلات ۵ درصد پاسخگویان سیکل، ۱۶ درصد دیپلم، ۱۱ درصد فوق‌دیپلم، ۴۳ درصد لیسانس، ۸ درصد فوق‌لیسانس، ۳ درصد دکتری و ۱۰ درصد نیز حوزوی بوده است. بیشتر پاسخگویان از منطقه‌ی ۳ به میزان ۱۱ درصد و کمترین آن‌ها به میزان ۱ درصد از منطقه‌ی ۱۲ انتخاب شده‌اند.

جدول ۱: توصیف وضعیت شورای اجتماعی محلات شهر مشهد

منطقه	تعداد جلسات	تعداد اعضای فعال ^۱	تعداد مصوبات اجراشده ^۲	رتبه‌ی بودجه‌ی تخصیصی ^۳
منطقه‌ی ثامن (کمترین)	۸	۲۰	۵	۱
منطقه‌ی ۲ (بیشترین)	۱۲۵	۱۹۴	۲۷	۵
میانگین منطقه	۶۱	۱۰۶	۲۲	۳.۸
جمع	۷۹۲	۱۳۸۱	۳۰۰	-

با توجه به جدول بالا مشخص است که میانگین تعداد جلسات در هر شورا منطقه‌ی ۶۱ جلسه بوده و کمترین آن منطقه‌ی ثامن و بیشترین آن نیز منطقه‌ی ۲ است.

جدول ۲: وضعیت شاخص‌های اجتماعی به تفکیک مناطق شهری مشهد

عنوان منطقه	جمعیت	تعداد محله	تعداد شورا	فراوانی مشکلات مردم ^۴	خوشه‌ی منزلت اجتماعی
منطقه‌ی ثامن (کمترین)	۲۱۴۵۶	۶	۳	۷۱۵	۳
منطقه‌ی ۲ (بیشترین)	۴۳۴۷۲۹	۲۳	۲۳	۸۶۴۵	۲
میانگین	۲۱۵۹۵۸	-	-	۴۲۹۳	-
جمع	۲۸۰۷۴۶۴	۱۵۸	۱۵۶	۵۵۸۱۰	-

با توجه به جدول بالا میانگین جمعیت هر منطقه ۲۱۶ هزار نفر، میانگین تعداد محله در هر منطقه ۱۲ محله، میانگین فراوانی مشکل شهری ۴۲۹۳ مشکل در سال است. در نهایت

- ۱- شاخصی است که در آن از نظر شورای محله فرد در مباحث شرکت کرده، غیبت کمتری نموده و در کل فعال است.
- ۲- اگر چه شورای اجتماعی هر محله مصوبات بسیاری دارد ولی تنها بخشی از آن‌ها به دلیل محدودیت‌های اجرایی و مالی به اجرا در می‌آید.
- ۳- بودجه‌ی هر شورا در هر محله مشخص بوده و توسط شهرداری تأمین می‌گردد، اما به علت محرمانه بودن رتبه‌بندی شده و در این بخش آورده شده است.
- ۴- این اعداد تعداد مشکلاتی است که در سال ۱۳۹۳ توسط مردم شهر مشهد به مرکز ۱۳۷ اعلام شده است. اگرچه این رقم در حال تغییر است ولی مسأله‌ی مهم رتبه‌بندی آن است؛ که کدام محله بیشترین و کدام محله کمترین مشکلات را داشته است.

اینکه سه منطقه در خوشه‌ی بالا (۱)، سه منطقه در خوشه‌ی (۲)، سه منطقه در خوشه‌ی ۳، سه منطقه در خوشه ۴ و یک منطقه در خوشه‌ی پایین (۵) قرار دارد. همچنین میانگین تعداد اعضای فعال هر منطقه ۱۰۶ نفر و کمترین و بیشترین آن نیز به ترتیب منطقه‌ی ثامن و منطقه‌ی دو بوده، میانگین تعداد مصوبات اجرا شده در هر منطقه ۲۲ و کمترین و بیشترین آن ثامن و ۱۲ و منطقه‌ی ۳ است. در نهایت اینکه میانگین رتبه‌ی تخصصی ۳.۸ از رقم کلی شهرداری است.

در راستای اولویت‌بندی برنامه‌های شورای اجتماعی محلات از نظر اعضای آن، مواردی همچون، فرهنگی و اجتماعی، هنری و زیباسازی، خدمات شهری، امور پارک‌ها و فضای سبز، گردشگری و زیارتی، تربیت بدنی و ورزشی، امور عمرانی و ساخت‌وسازها و حمل‌ونقل و ترافیک شهری مطرح شده و از پاسخگویان خواسته شد تا اولویت اصلی را مشخص نمایند؛ یعنی از نظر پاسخگویان اولویت برنامه‌های شورای اجتماعی محلات چه چیزی باید باشد. پاسخ‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۳: اولویت‌بندی برنامه‌های شورای اجتماعی محلات شهر مشهد

اولویت	میانگین اولویت	اولویت‌ها
۱	۱.۹۴	فرهنگی و اجتماعی
۲	۳.۷۶	خدمات شهری
۳	۴.۲۵	تربیت بدنی و ورزشی
۴	۴.۵۰	امور پارک‌ها و فضای سبز
۵	۴.۵۲	هنری و زیباسازی
۶	۴.۷۶	امور عمرانی و ساخت‌وسازها
۷	۵.۶۹	حمل و نقل و ترافیک شهری
۸	۵.۷۴	گردشگری و زیارتی

پاسخ‌ها نشان می‌دهد، اولویت اول فرهنگی و اجتماعی، اولویت دوم خدمات شهری،

اولویت سوم هنری و زیباسازی و اولویت چهارم امور پارک‌ها و فضای سبز شهری و تربیت بدنی و ورزشی است. اگرچه از نظر اعضای شهرداری و مردمی کمی تفاوت در این اولویت‌بندی به چشم می‌خورد.

توصیف شاخص‌های اصلی در جدول زیر آمده است. با توجه به این جدول مشخص است که کمترین میزان به حمایت‌های سازمانی (اعم از شهرداری و ارگان‌های دیگر فعال در شهر) تعلق گرفته و پس از آن وضعیت اعضا، وضعیت درونی، وضعیت مردمی بودن شورا قرار دارد و در نهایت بیشترین میزان نیز به وضعیت محلی شورا تعلق دارد. در جدول بعد به جزئیات این میانگین‌ها اشاره شده است.

جدول ۴: توصیف و آزمون مقایسه‌ی میانگین شاخص‌های اصلی

شاخص‌های اصلی	میانگین	انحراف از معیار	مقدار t	مقدار معناداری
وضعیت سازمانی شورا	۶۳.۸	۱.۸۸	۲.۰۹	۰.۰۴
وضعیت اعضای شورا	۶۹.۴	۱.۹۲	۲.۸۱	۰.۰۲
وضعیت درونی شورا	۷۲.۴	۱.۷۰	۳.۸۴	۰.۰۱
وضعیت مردمی شورا	۷۴.۴	۱.۸۳	۵.۷۱	۰.۰۰
وضعیت محلی شورا	۷۶	۱.۴۶	۶.۰۷	۰.۰۰

از سوی دیگر اگر حد وسط مقدار (۵۰) گرفته شود، آزمون تی تک نمونه‌ای نیز نشان‌دهنده این است که مقدار هرکدام از شاخص‌های مرتبط با شورای اجتماعی محلات بیشتر و با اختلاف معنادار از حد وسط است؛ بنابراین با توجه به این جدول: میانگین وضعیت سازمانی شورا نزدیک به ۵۰ اما اختلاف با آن داشته و این اختلاف نیز معنادار است بنابراین فرضیه‌ی اول تایید می‌گردد. همچنین میانگین وضعیت اعضای شورا نزدیک به ۵۰ اما اختلاف با آن داشته و این اختلاف نیز معنادار است بنابراین فرضیه‌ی

دوم نیز تأیید می‌گردد. میانگین وضعیت درونی شورا بالاتر از ۵۰ بوده و اختلاف با آن داشته و این اختلاف نیز معنادار است بنابراین فرضیه سوم تایید می‌گردد. میانگین وضعیت مردمی شورا بالاتر از ۵۰ بوده و اختلاف با آن داشته و این اختلاف نیز معنادار است بنابراین فرضیه چهارم تایید می‌گردد. میانگین وضعیت محلی شورا بالاتر از ۵۰ بوده و اختلاف با آن داشته و این اختلاف نیز معنادار است بنابراین فرضیه آخر تایید می‌گردد. همچنین مشخص است که بیشترین اختلاف و بالاترین نمره نیز از آن وضعیت محلی شورای اجتماعی محلات شهر مشهد است.

جدول ۵: توصیف و آزمون مقایسه‌ی میانگین ابعاد شاخص‌های اصلی پژوهش

شاخص	ابعاد فرعی	میانگین	۱. معیار	مقدار T (۵۰)	معناداری
وضعیت اعضای شورا	رضایت‌مندی فردی از شورای محله	۶۷.۴	۱.۲۶	۲.۱۵	۰.۰۴
	مشارکت اعضا در جلسات شورای محله	۶۶	۱.۳۷	۲.۱۱	۰.۰۳
	آشنایی اعضا با اهداف و آیین‌نامه	۶۶.۴	۱.۰۴	۲.۱۲	۰.۰۴
	انگیزه‌ی مالی مشارکت در شورا	۵۸	۱.۳۳	۱.۸۶	۰.۰۶
	انگیزه‌ی داوطلبانه بودن عضویت در شورا	۸۴.۶	۱.۸۹	۲.۶۷	۰.۰۲
	علاقه‌مندی اعضا به اظهار نظر	۷۰.۸	۱.۷۸	۲.۲۵	۰.۰۴
	توانمندی ایفای نقش توسط اعضا	۷۳.۸	۱.۶۷	۲.۳۴	۰.۰۱
وضعیت محلی شورا	اهمیت شورای محله در شهر	۷۴.۶	۱.۴۵	۲.۳۷	۰.۰۲
	مشکل‌گشا بودن شورای محله	۶۷	۱.۳۴	۲.۱۴	۰.۰۳
	شناسایی بهتر مشکلات محله	۸۶	۱.۲۳	۲.۷۲	۰.۰۲
	برنامه‌های مرتبط با وضعیت محله	۷۷.۸	۱.۱۲	۲.۴۷	۰.۰۱
	ظرفیت‌یابی محله برای برنامه‌ریزی	۷۵.۴	۱.۰۱	۲.۳۹	۰.۰۰
وضعیت سازمانی شورا	نظارت همگانی شورای محله	۶۹.۲	۱.۰۴	۲.۲۰	۰.۰۱
	همکاری شهرداری با شورای محله	۷۲.۸	۱.۹۹	۲.۳۱	۰.۰۲

شاخص	ابعاد فرعی	میانگین	ا. معیار	مقدار T (۵۰)	معناداری
	حمایت مالی از شورای محله	۴۶.۲	۱.۹۴	-۱.۵۰	۰.۰۷
	حمایت ارگان‌های شهری از شورا	۷۰.۸	۱.۸۹	۲.۲۵	۰.۰۱
	دسترسی اعضا به مسئولان شهر	۶۰.۲	۱.۸۴	۱.۹۳	۰.۰۶
وضعیت درونی شورا	اقتدار و قدرت شورا در محله	۵۳.۶	۱.۷۴	۱.۷۳	۰.۰۷
	تعداد جلسات و مصوبات شورا	۶۸.۶	۱.۶۹	۲.۱۹	۰.۰۲
	اطلاع‌رسانی و تبلیغات شورا	۷۳.۴	۱.۶۴	۲.۳۳	۰.۰۱
	بوروکراسی اداری در مصوبات	۶۸.۸	۱.۵۹	۲.۱۹	۰.۰۴
	برگزاری جلسات پربار و مفید	۷۷.۴	۱.۵۴	۲.۴۵	۰.۰۲
	برقراری نظم در جلسات و برنامه‌ها	۷۴.۲	۱.۴۹	۲.۳۶	۰.۰۱
	هویت محلی و احساس تعلق	۷۸.۴	۱.۳۹	۲.۴۸	۰.۰۲
وضعیت مردمی شورا	اعتماد مردم به شهرداری	۷۹.۸	۱.۳۴	۲.۵۳	۰.۰۲
	جلب مشارکت‌های مردمی محله	۶۲.۲	۱.۲۹	۱.۹۹	۰.۰۶
	همسویی با نظرات و دغدغه‌های مردم	۷۷.۶	۱.۲۴	۲.۴۶	۰.۰۱

در این جدول مشخص است که در رابطه وضعیت اعضای شورا تنها بعد انگیزه‌ی مالی داشتن مشارکت اعضا کمترین امتیاز و نزدیک به میانگین را گرفته و از نظر اعضا وضعیت مناسبی ندارد؛ اما باقی موارد اختلاف قابل توجه و معناداری با حد وسط دارد؛ اما اگرچه کمترین امتیاز برای مشکل گشا بودن شورای محله است ولی تمامی ابعاد دارای میانگینی بالاتر از ۵۰ بوده و این اختلافشان نیز در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است. اگرچه حمایت مالی از شورای اجتماعی محلات کمترین امتیاز را به خود گرفته است ولی این اختلاف در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار نیست. همچنین در بعد دسترسی اعضا به مسئولان شهری نیز اگرچه بالاتر از ۰.۰۵ است ولی این اختلاف نیز معنادار نیست. در بقیه‌ی ابعاد مشاهده می‌شود که ابعاد وضعیت سازمانی شورا در موقعیت مناسبی قرار دارد. وضعیت درونی شورا تنها در بعد اقتدار و قدرت شورا نزدیک به متوسط و غیر

معنادار است ولی بقیه‌ی ابعاد از اختلاف چشم‌گیری، بالاتر و معناداری نسبت به معیار پژوهش دارند. در نهایت اینکه در مورد شاخص وضعیت مردمی بودن شورا نیز کلیه‌ی ابعاد بالاتر و همچنین معنادار هستند ولی بعد جلب مشارکت‌های مردمی محله این‌گونه نیست.

اولویت‌بندی ابعاد فرعی پژوهش وضعیت شورای اجتماعی محلات را شفاف‌تر می‌سازد. بهترین وضعیت شورا در پنج اولویت اول به ترتیب شناسایی بهتر مشکلات محله (وضعیت محلی شورا)، انگیزه‌ی داوطلبانه بودن عضویت در شورا (وضعیت اعضای شورا)، اعتماد مردم به شهرداری (وضعیت مردمی شورا)، هویت اجتماعی و احساس تعلق (وضعیت مردمی شورا) و برنامه‌های مرتبط با وضعیت محله (وضعیت محلی شورا) است.

جدول ۶: اولویت‌بندی ابعاد فرعی پژوهش

ابعاد فرعی و اولویت‌های آن		ابعاد فرعی و اولویت‌های آن	
۲	انگیزه‌ی داوطلبانه بودن عضویت در شورا (اعضا)	۱	شناسایی بهتر مشکلات محله (وضعیت محلی)
۴	ارتقای هویت اجتماعی و احساس تعلق (مردمی)	۳	افزاینده‌ی اعتماد مردم به شهرداری (مردمی)
۶	همسویی با نظرات و دغدغه‌های مردم (مردمی)	۵	برنامه‌های مرتبط با محله (محلی)
۸	ظرفیت‌یابی محله جهت برنامه‌ریزی (محلی)	۷	برگزاری جلسات پر بار و مفید (درونی)
۱۰	برقراری نظم در جلسات و برنامه‌ها (درونی)	۹	اهمیت شورای محله در شهر (محلی)
۱۲	اطلاع‌رسانی و تبلیغات شورا (درونی)	۱۱	توانمندی ایفای نقش توسط اعضا (اعضا)
۱۴	همکاری شهرداری با شورای محله (سازمانی)	۱۴	حمایت ارگان‌های شهری از شورا (سازمانی)
۱۶	نظارت همگانی شورای محله (سازمانی)	۱۵	علاقه‌مندی اعضا به اظهار نظر (اعضای شورا)
۱۸	تعداد جلسات و مصوبات شورا (درونی)	۱۷	بوروکراسی اداری در مصوبات (درونی)

ابعاد فرعی و اولویت‌های آن		ابعاد فرعی و اولویت‌های آن	
۲۰	مشکل‌گشا بودن شورای محله (محلی)	۱۹	رضایت‌مندی فردی از شورای محله (اعضا)
۲۲	مشارکت اعضا در جلسات شورای محله (اعضا)	۲۱	آشنایی اعضا با اهداف و آیین‌نامه (اعضا)
۲۴	دسترسی اعضا به مسئولین شهر (سازمانی)	۲۳	جلب مشارکت‌های مردمی محله (مردمی)
۲۶	اقتدار و قدرت شورا در محله (درونی)	۲۵	انگیزه‌ی مالی مشارکت در شورا (اعضا)
		۲۷	حمایت مالی از شورای محله (سازمانی)
۰.۰۰	سطح معناداری آزمون	۷۸	مقدار ضریب فریدمن

از سوی دیگر بدترین وضعیت شورا نیز به ترتیب جلب مشارکت‌های مردمی محله (وضعیت مردمی شورا)، دسترسی اعضا به مسئولان شهر (وضعیت سازمانی شورا)، انگیزه‌ی مالی مشارکت در شورا (وضعیت اعضای شورا)، اقتدار و قدرت شورا در محله (وضعیت درونی شورا) و حمایت مالی از شورای محله (وضعیت سازمانی شورا) است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شورای اجتماعی محلات مشهد که از سال ۱۳۸۹ آغاز به فعالیت نموده است، فعالیت‌های بسیاری را در حوزه مشارکت شهروندی انجام داده است. مهم‌ترین اهدافی که این شورا به دنبال نیل به آنهاست در زمینه‌های تقویت فعالیت‌های جمعی مبتنی بر آموزه‌های دینی، افزایش مشارکت‌های اجتماعی در اداره‌ی شهر، تقویت هویت محلات مشهد در راستای افزایش تعلق شهری و نهادینه‌سازی نظارت‌های همگانی قرار گرفته است. از جمله زمینه‌های نوین شیوه‌ی جلب مشارکتی این شورا تأکید بر سه بعد مردمی، شهرداری و سازمانی است که در نوع خود قابل توجه است. تفاوت اصلی این شورا با شوراییاری‌ها در این است که اولاً شهرداری اقدام به راه‌اندازی آن می‌کند. در ثانی افراد منتخب مردم در قالب رأی‌گیری نبوده و به صورت داوطلبانه خود را به شورا معرفی می‌کنند. همچنین مصوبات شورا به طور دقیق تصویب شده و در صورت تأمین اعتبار بلافاصله اجرا می‌شود و در نهایت اینکه مردم، مدیریت شهری و سازمان‌های دیگر به

طور مستقیم بر این نوع فعالیت‌ها نظارت کامل دارند (صیدائی و همکاران، ۱۳۸۹، مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱، صادقی و رهنما، ۱۳۹۱).

شورای اجتماعی محلات در مورد جلب مشارکت‌های اجتماعی و با توجه به چهار سطح مشارکت یعنی تسهیم اطلاعات، مشاوره، تصمیم‌گیری و اقدام به عمل، در هر چهار سطح حضور دارد. شورای اجتماعی محلات در جلسات متعدد مسائل محلات را بررسی و مورد مذاقه قرار می‌دهد و در برنامه‌ها نقش مشاوره‌ای خود را ایفا می‌کند. با تصویب برنامه‌ها و اعلام رأی در تصمیم‌گیری مشارکت کرده و با تعیین مجری و مشارکت در اجرا اقدام به عمل می‌کند. این موارد محدود به محله هر شورا بوده و برنامه‌ها در سطح مناسبی از واقعیت اجرا می‌گردد (مسعودی، ۱۳۹۱). مدل شورای اجتماعی محلات نیز نشان می‌دهد که سطوح چهارگانه مشارکت و افراد عضو تقابل مناسبی با یکدیگر دارا هستند.

فعالیت در شورای اجتماعی محلات نوعی فعالیت گروهی و تیمی بوده و بستگی بسیاری به سبک رهبری، مشارکت اعضا، اعلام نظر و رأی اعضا و همچنین امکانات و خدمات موجود محلی دارد (شرمرهورن و همکاران، ۲۰۰۲، میکلاوسی و سومانسکی، ۲۰۰۷ و تان و تان، ۲۰۰۸). از سوی دیگر مشارکت در شورا فرایندی داوطلبانه بوده و انگیزه‌های بسیاری از جمله خیرخواهی، مشکل‌گشایی و حل مسائل، اعلام نظر و همراهی را به دنبال دارد (چلبی ۱۳۷۵، پرینو، ۱۹۹۸ و خدایی و اکبری، ۱۳۸۷). در نهایت عضویت افراد در این شورا با توجه به کسب دانش، توسعه‌ی ارتباطات و ارتقای تنوع مشارکتی سبب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵، خدایی و اکبری، ۱۳۸۷، والترز، ۲۰۰۲، هوگه، ۲۰۰۳ و پاتنام، ۱۳۸۵). در این پژوهش پنج محور اصلی شورای اجتماعی محلات یعنی وضعیت سازمانی شورا، وضعیت اعضای شورا، وضعیت درونی شورا، وضعیت مردمی شورا و وضعیت محلی شورا مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که اولاً وضعیت کلی شورا مناسب بوده و فرضیات پژوهش نیز با کمی نوسان مورد تایید قرار گرفته است. بهترین وضعیت شورا در شناسایی بهتر

مشکلات محله، انگیزه داوطلبانه بودن عضویت در شورا، اعتماد مردم به شهرداری، هویت اجتماعی و احساس تعلق و برنامه‌های مرتبط با وضعیت محله و بدترین وضعیت شورا نیز ضعف در جلب مشارکت‌های مردمی محله، دسترسی اعضا به مسئولان شهر، انگیزه‌ی مالی مشارکت در شورا، اقتدار و قدرت شورا در محله و حمایت مالی از شورای محله است.

Archive of SID

منابع:

- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۴ (پیاپی ۲۶)، صص ۳۳-۶۴.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۵). جامعه‌ی برخوردار، سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی در سرمایه‌ی اجتماعی، *اعتماد و دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاج‌بخش و ترجمه‌ی افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ انصاری زاده، سلمان؛ پور موسوی، سید موسی؛ احمدی فیروز جایی، میثم؛ رضائی نبی‌اله. (۱۳۹۱). تبیین نقش شورای اسلامی شهر در توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران با تأکید بر نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)*، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۷۳)، صص ۶۱-۴۳.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- دبیرخانه شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، گزارش اساس‌نامه، آیین‌نامه و چشم‌انداز شورای اجتماعی محلات، مصوب ۱۳۹۳.
- رسولی، رضا؛ کریمیان علیرضا، صالحی، علی. (۱۳۸۹). بررسی نگرش مردم نسبت به شوراهای شهری و ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی در استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷، *مدیریت شهری*، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲۶، صص ۴۰-۲۷.
- رهنمایی، محمدتقی؛ محمدپور، صابر؛ اسکندری، حافظ. (۱۳۸۹). تحلیل نقش مهاجرت در زمینه‌سازی برای پیدایش آسیب‌های اجتماعی شهرنشینی شتابان در ایران نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱، صص ۱۷۵-۱۵۷.
- روشنفکر، پیام؛ ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۵). *جوانان، سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه*، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۴۶-۱۱۳.
- شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۰). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: سخن.
- شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). *مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری، فصلنامه‌ی مدیریت شهری*، شماره‌ی ۸، سال دوم.

- شهرانی، فرزاد؛ فروغی، محمد؛ مرتضوی، سید احمد؛ اسدیان، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی علل ریزش و کاهش داوطلبان جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری و ارائه‌ی راهکار مناسب ماندگاری اعضا امداد و نجات، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۳، صص ۵۸-۴۷.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- محمدی، علیرضا؛ پاشازاده، اصغر. (۱۳۹۳). سنجش سطح پایداری محلات شهر اردبیل با تأکید بر محلات با هسته‌های روستایی، فصلنامه‌ی مطالعات شهری، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱۱، صص ۹۸-۱.
- مسعودی، حمید. (۱۳۹۱). وضعیت موجود شورای اجتماعی محلات شهر مشهد از نظر اعضای آن، طرح پژوهشی، شهرداری مشهد.
- مشکینی، ابوالفضل؛ خلج، اکبر؛ عزیزی، حسین. (۱۳۹۱). بررسی نقش مشارکت شهروندان در تحقق‌پذیری اهداف شهرهای جدید در ایران، نمونه موردی شهر جدید صدرا، فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال چهارم، شماره‌ی ۱۳.
- معزی مقدم، حسین. (۱۳۸۵). ارزیابی طرح‌های توسعه شهری و دلایل تحقق‌ناپذیری آن‌ها در ایران، فصلنامه‌ی آبادی، شماره‌ی ۵۰.
- معمارزاده طهران، غلامرضا؛ بهلولی زیناب، نادر. (۱۳۸۸). ارائه الگویی اثربخش از عملکرد شوراهای اسلامی شهر (مطالعه‌ی موردی: شورای اسلامی شهر تبریز)، مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۹، صص ۷۵-۵۱.
- موحد، علی؛ کمان رودی، موسی؛ ساسان پور، فرزانه؛ قاسمی کفرودی، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی پایداری محله‌های شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۱۹ شهرداری تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴، صص ۵۵۸-۵۴۱.
- Arnstein, S.R. (1969). A Ladder of Citizen Participation. Boston: American Institute of Planners, 216-224.
- Chelladuran, P. (2005). "Human resource management in sport and recreation". 2 nd Ed.
- Cleave, S. and Doherty, A. (2005). "Understanding volunteer and no volunteer constraints": a mixed-method approach. Eleventh Canadian Congress on Leisure Research. May 17-20.
- Johnson, B. (2007). Collective Action, City Council Committees, and

- State Aid to Cities. *Urban Affairs Review*, 42(4), 457-478.
- Lowndes, V. & Wilson, D. (2001). Social capital and local governance: exploring the institutional design variable. *Political Studies*, 49(4), 629-647.
 - Maloney, W. Smith, G. & Stoker, G. (2000). Social capital and urban governance: adding a more contextualized 'top-down' perspective. *Political Studies*, 48(4), 802-820.
 - Oaña, J.R (2001), A Community-based Approach for Sustainable Urban Renewal in Manila in website www.csur.t.u-tokyo.ac.jp/ws2004/papers/B6-Oana.pdf.
 - Perrino, T. (1998). "Volunteerism in community first aid squads". Factors involving motivating and maintaining members, *Dissertation abstracts international*, Vol. 60, No. 02B.
 - Putnam, Robert, *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press, 1993.
 - Reforma, M and De Guzman, R, (1993) *Decentralization Towards Democrization and Development*, EROPA, Japan.
 - Rietbergen-McCracken, J. 1998. *Participation and social assessment (Tools and techniques)*, the world bank, Washington, U.S.A.
 - Safrit, R.D. Gliem, R.R. and Gliem, J.J. (2004). "Reasons for and barriers to participating in volunteerism and service": A comparison of Ohio youth in grades 5-8 and 9-12. *The Journal of volunteer administration*, 22(2): PP: 35-42.
 - United Nations, (1966) *Local Government Personnel System*, United Nation Publication.
 - Vogel sang Coombs, V. (2012). *Toward the Civil City Council*. *State and Local Government Review*, 0160323X12457184.